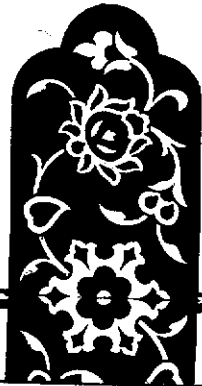


معرفی و نقد و بررسی



رضا استادی

رساله‌ای در حرمت حیله‌های مرسومه ربا

رساله‌ای که از نظر شما می‌گذرد شامل بحث کوتاهی
پیرامون حرمت و فساد حیله‌های به اصطلاح شرعی برای
فرار از ربا می‌باشد.*

این رساله تألیف مرحوم سید محمد بن محمد صادق
می‌باشد و ظاهراً از نوادگان آقا سید محمد مهدی خوانساری،
صاحب رساله «دعیمه‌النظیر فی تحقیق احوال ابی بصیر»
است. که در سال ۱۲۴۶ ه. ق. در گذشته است.

فتوای مشهور فقها حلیت وصحت این قبیل حیله‌ها
است، اما نظر صاحب این رساله با نظر محقق اردبیلی (۴) و
استاد کل وحید بهبهانی (۵) از گذشتگان و از معاصرین با
فتوای امام خمینی دامت برکاته موافق است.
رضا استادی

بسم الله الرحمن الرحيم

بر طالبان حقایق احکام اعلی حضرت اقدس، حبیب
پروردگار عالمیان جل شأنه و عز سلطانه و صلی الله علی
رسوله و آله مخفی نماند که این رساله نفیسه جزئی الله
تبارک و تعالی مؤلفه خیراً نوشته شده است در تحریم منفعت
قرض به حیل فاسده که شایع شده است ما بین خاص و عام
و به این سبب حرام دین مبین حلال شده است و سدّ باب
قرض الحسنه به نحوی شده است که برادر به برادر
نمی‌دهد، بلکه اگر مسلمانی محتاج شود و قدر معتدّ به از
قریبی یا آشنائی قرض بخواهد بدون منفعت طلب آن را
سفاهت می‌خوانند و این فساد ناشی نشده است مگر از فتح
باب این حیل فاسده که بعضی به جهت غفلت از حقائق
آیات و اخبار صحیحه ثابتة و تعلیلات صریحه و ظاهره در آنها
فتوی به جواز و تحلیل ربا به آن حیل داده‌اند و در واقع

* در ذریعه علامه تهرانی در حرف وجّه و درّه از این رساله یاد نشده است.
** رساله ابوبصیر مرحوم سید محمد مهدی خوانساری در کتاب الجوامع
الفقهیه در سال ۱۲۷۶ چاپ شده است و به گفته بعضی از اساتید محقق ما
رساله‌ای تحقیقی و حاکی از مقام علمی و دقت نظر مولف آن است.

و عندالنظر بعین الانصاف روشن و ظاهر است که اینها مجرد صورت می باشد و واقعیت ندارد، اگر چه به ظاهر و نزد آدم غافل حال معلوم نیست در ابتداء امر.

نظر بکن از حیل مشهوره ما بین این اشخاص صلح مال است که به عنوان قرض می دهند به ضمیمه پول سیاه یا جنس دیگر، مثل پنجاه درم گندم یا ده مثقال نبات به مبلغ کلنی که از آن است تومانی چهار هزار نفع بلکه بیشتر. و از آن حیل است صلح منفعت مبیع خیاری به مشتری به آن منفعتی که مقصود بوده است.

و هر دو صورت محض است، اگر می خواهی حال بر تو و غیر تو روشن شود از مردم و از خود صاحب مال و گیرنده آن به عنوان قرض، بعد از آن مجلس معامله جویا شو. که در خصوص آن تنخواه چه کردی؟ البته خواهند گفت تنخواه گرفتیم از قرار تومانی فلان قدر منفعت بی بیع یا با وثیقه، و اگر کسی بگوید به این قسم معامله نشده است، البته قسم می خوردند که غیر این طور نشده و به اقرار خود آنها و شهادت سایر مردم معلوم می شود که واقع معامله قرض به شرط منفعت است که حرمت آن ضروری دین است و خود آنها به آن معتقد و مقرر هستند. نهایت امر آن است که به خیال آنکه محض لفظ و صورت، محلل ربا می باشد بر خود حلال نمودمانند. و این از امتن و اقرب ادله می باشد بر بطلان این گونه حیل.

والا در آیه شریفه^(۱) و اخبار کثیره^(۲) صحیحه ذکر شده است که علت تحریم ربا ظلم بودن و فساد امسال و ذهاب معروف که قرض الحسنه از آن است می باشد و این امور مذکوره که نظر شارع در تحریم بر آن است از میان می رود به فتح باب حیل در تحلیل منفعت قرض و نقض آن قرض البته خواهد بود. نمی بینی که به سبب حکم به صحت و جواز این گونه حیل به چه نحو سد باب قرض الحسنه شده است؟ و بسیاری از مردم از تجارت اعراض نموده و این عمل شنیع را کسب خود قرار دادمانند و چون نفس به حسب طبیعت مایل می باشد به کسی که فتوی به حلیت دهد گوش به سخن حق دیگران نداده و نمی دهند و به این سبب حرام شیوع یافته است فیما بین خواص و عوام، حتی اهل

صلاح و تقوی، والا در هر عصری اشخاص بزرگ تصریح بر حرمت فرموده اند.

بلکه اعلیحضرت اقدس رسول کریم در خبر شریفی که راوی آن حضرت امام همام امیرالمؤمنین صلوات الله و سلامه علی رسوله و علیه می باشد قبل از وجود این اشخاص خبر از فعل و حیل فاسده آنها داده اند و حکم به ضلال فرموده اند و این خبر در نهج البلاغه^(۳) مذکور است و قریب به آن است نبوی دیگر که مذکور است در تهذیب شیخ الطائفه قدس سره^(۴) و اگر انصاف باشد این دو خبر به سبب موافقت با آیات و اخبار صحیحه حاجت به سند ندارد و کافی هستند در حکم به بطلان این حیل.

و از اشخاص بزرگ که حکم به فساد و حرمت این گونه حیل فرمودند غیر صاحب این رساله^(۵)، جناب المولی الاعظم استاد الفضلافی عصره آقا محمد باقر بهبهانی قدس سره می باشد و آن مرحوم رساله به عربی در این مسأله تألیف فرموده اند و رساله نزد حقیقیر موجود است^(۶) و در رساله فارسی که در معاملات از برای تقلید عوام نوشته اند* نیز تصریح نمودمانند با تأکید و اصرار، بلکه قول به خلاف را توهّم شمردمانند و زیاد بی اعتنائی به آن قول در این رساله شده است. و بهتر آنست که الفاظ خود ایشان در رساله مذکوره که شیخ ابوعلی صاحب رجال رحمه الله تعالی نیز آن را در فهرست تألیفات آن مرحوم ایراد نموده است^(۷) ذکر نمایم.

فرموده است آن مرحوم:

«و از کسبهای حرام یکی ربا است که شنیدی حال درهم آن را و تهدیدات شدید و تخویفات بالغه بسیار در آن وارد شده است و از آن جمله وارد شده که در بلدی که ربا در آن خوردند و گیرند آن بلد خراب و ویران شده و می شود و هلاک خواهد شد^(۸) و لهذا می یابیم شهرها و بلدها که خراب و ویران شده به سبب شیوع حیل ربا که بعضی از غافلین آن را تجویز نمودمانند و راه خوردن ربا را برای مردم

* این رساله چاپ شده و نسخهای خطی آن نیز فراوان است. نگاه کنید به ذریعه ج ۱۹ ص ۵۹.

و بس و نفهمیده که هرگاه چنین باشد حیل نشده اصلاً چه حرام هرگاه مخصوص باشد به قسم اول قسم ثانی را حیل گفتن و حیل گرفتن چه معنی دارد.

و مع‌ذلک دانستی که اخبار و کلام فقهاء شامل هر دو قسم هستند، بعضی به عنوان اطلاق و عموم و بعضی به عنوان تصریح و نص، با آنکه هبه لفظاً و عرفاً و شرعاً نیست مگر دادن عینی به کسی خواه به عبارت «وهبت» و خواه به عبارت «اعطیت» و خواه به عبارت «هذا لک» و خواه به عبارت دیگر که ادای همین معنی نماید و علماً تصریح نموده‌اند که چون هبه از عقود جائزه است آن را لفظ و عبارت معینی نیست و همچنین است کلام در عاریه الا اینکه عاریه در منفعت می‌باشد. پس لازم متوهم می‌افتد که ربا قرضی تماماً حلال باشد و حرامی نداشته باشد.

مع ذلک لازم متوهم می‌افتد که ربا خوردن یعنی زیاد خوردن بر اصل قرض به عنوان شرط حرام نباشد، بلکه حرام همین لفظ به تنهایی باشد که اگر بگوید به قرض می‌دهم به شرط آنکه به من زیاد تریدی حرام باشد و اگر لفظ «بدهی» را تبدیلی نمایند به «بخشی» آنوقت حلال شود، با آنکه فرق میانه لفظ «اعطتی» و میانه لفظ «هبلی» و میانه لفظ «یکون لی»^{۱۰} به حسب لغت و عرف نیست و بر فرض که فرق جزئی باشد فرق نیست میانه آنها در باب دادن منفعت زائد بر اصل قرض، پس ربا همین لفظ شد و بس نه معنی و شک در فساد این نیست.

و مع ذلک لازم متوهم می‌افتد که جماعت مخاطبین به آیات قرآنی و اخبار معصومیه همه احمق و چیز نفهم بودند و نفهمیدند که ربا همین قسم اول است نه قسم ثانی. پس به چه جهت وقتی ربا برایشان حرام شد شاق بود برایشان که دست از ربا بردارند تا آنکه نازل شد آیات متعدده در تحریم و تخویف^{۱۲} و مع ذلک دست

مفتوح نموده و سد نمودند باب قرض الحسنه را که حرمت ربا برای فتح باب آن بوده، چنانکه در اخبار بسیار تصریح به آن نموده‌اند^۹ و آن حیل مطلقاً حیل نیست بلکه عین ربا است، توهم غلطی نمودند چه هر نفعی را که شرط نمایند در قرض دادن همان ربا قرضی است به نص اخبار^{۱۰} صحاح بسیار، علاوه بر اخبار دیگر و شواهد ظاهره و مؤیدات متکثره و از آن جمله اتفاق همه فقها است بر آنکه نفع را هرگاه شرط نمودند در قرض دادن حرام می‌شود و فاسد نیز، و افاده نقل ملک نمی‌کند، با تصریح به این عبارات نقل اجماع کل مسلمین نمودند و مشاهده از حال ایشان در اعصار و امصار همین بوده و بعضی از ایشان تصریح نمودند که نفع حرام شامل معامله محاباتی نیز هست و دعوی اجماع بر این معنی نمودند و از آن جمله علامه رحمه الله در مختلف^{۱۱} و غیر آن. و عبارات فقها تماماً دال بر اینکه اجماع دعوی نمودند است و اخبار صحاح نیز واضح الدلاله‌اند در آنکه نفع هر چند به عنوان هبه یا عاریه یا بیع یا سلف یا غیر اینها باشد مثل مطلق بیع حرام است هرگاه شرط شود در قرض، و اگر شرط نشود باکی نیست.

و همان شخص متوهم توهم نموده که هرگاه نفع معامله محاباتی باشد به آنکه چیزی که قیمت کمی داشته است قرض ده بفروشد به قرض گیر به قیمت بسیار یا قیمت بسیار داشته باشد که قرض گیر بدهد به قیمت نازل، و همچنین اگر هبه نماید نفع را به قرض دهنده یا عاریه دهد به آن هیچ ضرر ندارد هر چند قرض را به شرط همان نفع داشته‌اند^{۱۳}. و این را اسمش را حیل گذاشته و ندانسته که حیل آن است که تغییر و تبدیل بشود و اینجا هیچ تغییر و تبدیلی نشده چه نفع جزماً نفع است لفظاً و شرعاً و عرفاً و شرط در ضمن قرض دادن شده، پس نه در نفع حیل شده و نه در شرط در ضمن قرض و نه در قرض، همه تماماً ب حال خود هستند و عوض و بدلی نشده‌اند و کاری هیچ ننموده^{۱۴} الا آنکه نفع را دو قسم نموده یک قسم آنکه نه هبه و نه عاریه و نه بیع محاباته باشد و قسم دیگر آنکه یکی از اینها باشد و توهم نموده که نفع حرام همان قسم اول است

۱۰ کلمه «یا» زائد است، ظ.
۱۱ داده باشد، ظ.

۱۲ کتاب می‌گوید الا آنکه خود را بازی داده و حرام را بر خود به خیال و صورت محض حلال نموده. (این حاشیه از صاحب این رساله است).
۱۳ کذا.

بر نمی‌داشتند تا آنکه نازل شد آیه «فان لم تفعلوا فاذنوا بحرب من الله» الایه (۱۳) پس دیوانه بودند که عاشق لفظ «اعطنی» و امثال آن بودند و بسیار بدشان می‌آمد از لفظ «هبلی» و امثال آن تا به مرتبای که حرب با خدا و رسول را بر خود گوارا نموده‌اند و لفظ «هبلی» و امثال آن را راضی نشدند.

با آنکه صریح کلام شارع است که ربا کمال خفا دارد و اخفی از دیب نمله بر صفا است (۱۴). پس باید احتراز نمود از احتمالات خفیه ربا غایت خفا.

تمام شد آنچه مقصود بود از کلام آن مرحوم. (۱۵)
و از جمله اشخاص بزرگ از علماء عرب که در مائه ثانیه قبل از ایشان اشاره به این مطلب فرموده‌اند حضرت عالم ربانی و جامع کمالات نفسانی صاحب مقامات عالیه و کرامات باهره زین‌الملة والدين و فخر العلماء السراستین قدوة للعارفین فخر السادات و مجمع السعادات صاحب التحقیقات البدیعة سیدنا ناظم الدیوان المبارک است و این بزرگوار در چند موضع در اشعار دیوان خود اشاره به این معنی فرموده است و کلام ایشان در بعضی مواضع ادل است بر مراد از موضع دیگر و از جمله آنها این دو بیت است که در مقام شکایت از زمان و شیوع فساد و امور منکره نظم فرموده است. رضی الله تعالی عنه و عن جمیع العلماء من اصحابنا و رفع اقدارهم فی الدارین. نظم:

هو الزمان الذی لا یمسرفیه ولا

عرف تراه علی التفصیل و الجمل

هو الزمان الذی عم الحرام به

والظلم من غیر ما شک و لا جدل

و از جمله اشخاصی که اشاره به این معنی فرموده

صاحب کمالات علمی و عملی و جامع سعادات دنیوی و اخروی حضرت مقدس اردبیلی قدس سره است در کتاب آیات الاحکام. در تفسیر بعضی آیات ربا بعد از ذکر بعضی اخباری که تحریم ربا در آنها معلل شده است بعلت افتح باباً قرض الحسنه و عدم امتناع مردم از معروف، فرموده است: «وانت تعلم بانها تنعدم بفتح باب الحیلة کما هو المتعارف فافهم فانهم یاخذون بها مایؤخذ بالربا» (۱۶)

و شیخ بزرگوار صاحب وسائل الشیعه در حاشیه خود در باب ربا این قول را نسبت به بعضی مدققین داده است. (۱۷) و حقیر راقم الحروف بیش از این عدد قائل بر این قول که حق و صواب محض است الحمد لله تعالی مطلع شدیم اما لکن حال و مقام مقتضی ذکر آنها و تطویل کلام نیست. از برای مؤمن طالب حق جلی بس است اشاره. و حق شناختن نمی‌شود به رجال بلکه رجال شناخته میشود به حق چنانچه مضمون کلام اعلیحضرت امام انام علیه الصلو و السلام است:

والحمد لله تبارک و تعالی علی الهدایة و الصلوة علی خاتم الرسالة و آله الطاهرین ائمة الخلق اجمعین و اللعنة علی اعدائهم الی یوم الدین. و حرر ذلک الراجی عفو ربه الفنی محمد بن محمد صادق الموسوی.

• متأسفانه این عالم بزرگ را نشناختیم.

• دلالت این شعر بر مطلب مورد نظر روشن نیست.

• در این زمان حضرت امام خمینی دام ظلّه العالی فتوی به حرمت و فساد این هیلهها داده‌اند.

• يعرف الرجال بالعق بالعق بالرجال. مدرکی برای این حدیث جز در اواخر حاشیه ملا عبدالله فعلاً پیدا نشد.

• رساله به خط خود ایشان است ولی تاریخ کتابت ندارد.

یادداشتها:

۱- شاید آیه ۲۷۹ سوره بقره منظور باشد.

۲- به وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۲۲-۴۲۸ مراجعه شود.

۳- خطبه ۱۵۱ نهج البلاغه چاپ مصر با حاشیه عبده.

۴- تهذیب، ج ۷، حدیث ۸۲.

۵- سید محمد بن محمد صادق بن محمد مهدی خونساری.

۶- این رساله در ذریعه علامه تهرانی، ج ۷، ص ۱۲۷ یاد شده است.

۷- رجال ابوعلی، ص ۲۹.

۸- به وسائل، ج ۱۲، ص ۴۲۷ و مستدرک، ج ۲، ص ۴۷۸ مراجعه شود.

۹- به وسائل، ج ۱۲، ص ۴۲۲-۴۲۸ مراجعه شود.

۱۰- به وسائل، ج ۱۲، ص ۴۷۶-۴۷۹ مراجعه شود.

۱۱- مختلف علامه ج ص

۱۲- سوره بقره، آیات ۲۷۵-۲۷۹ و آل عمران، آیه ۱۳۰ و نساء، آیه

۱۶۱ و روم، آیه ۳۹.

۱۳- سوره بقره، آیه ۲۷۹.

سیری در سیره المصطفی

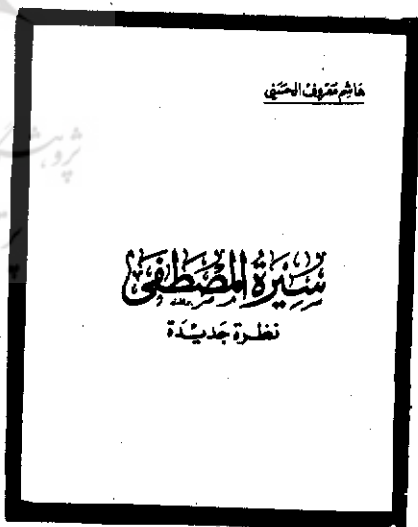
در میان کتابهایی که در قرن حاضر، پیرامون زندگانی و سیره پیامبر اسلام حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه وآله) نوشته شده، کتاب سیره المصطفی، اثر اندیشمند فقید استاد هاشم معروف حسنی* از ویژگی خاصی برخوردار است.

این کتاب با پژوهشی جدید و تحقیقی نوین در سیره پیامبر اکرم (ص) نگاشته شده و دارای مطالبی بدیع و تازه می باشد. پختگی و اتفاق مطالب، حاکی از این است که مؤلف آن مانند برخی از نویسندگان ابتدا به ساکن وبی مایه دست به قلم نبرده و بی گذار به آب نزده، بلکه اولاً در علم رجال، درایه، حدیث، تاریخ، تفسیر، فقه، کلام و ... به تتبع و تحقیق پرداخته سپس با آگاهیهای وسیع و ژرف و با اندوخته های فراوان علمی، به نگارش سیره پیامبر اکرم (ص) و تاریخ صدر اسلام همت گمارده است و بسیاری از موارد مبهم و تاریک سیره رسول خدا (ص) را، تا حدودی روشن کرده و برخی از مطالب بی پایه و اساس را مورد نقد و بررسی قرار داده است.

در کتاب یاد شده، برخلاف بسیاری از کتابهای پیشین، همه مطالب مندرج در متون اولیه تاریخ رسول اکرم (ص) تشکیک ناپذیر تلقی نشده است، بلکه بسیاری از مطالب بر کرسی نقد و تحلیل نشانداده شده و مولف در بررسی صحت و سقم هر روایت و خبری، مبانی اعتقادی و اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... را از نظر دور نداشته است.

در این نوشته کوتاه برآنیم، تا برخی از محاسن و نیز مواردی از کاستی های کتاب را، یاد آور شویم.

سید علی میر شریفی



«سیره المصطفی نظرة جدیدة» نوشته هاشم معروف الحسنى، منشورت الشریف الرضى، قم، چاپ دوم، سال ۱۳۶۴، ۷۴۸ صفحه

* استاد هاشم معروف حسنی از علمای برجسته کشور لبنان و زادگاهش یکی از روستاهای جبل عامل بود، او در علوم گوناگون، به خصوص در تاریخ و حدیث زحمت گشوده بود و ید طولایی داشت، نامبرده کتب گرانبهائی دیگری نیز دارد، که هم خود وهم دیگر تالیفاتش احتیاج به نوشتاری جداگانه دارد، استاد چند سال قبل دنیا را وداع نمود و به جوار حق شتافت.